

ریزرف تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان بطور آنلاین همیشه و همه جا

وب سایت skytravels.com در زمینه ارایه خدمات مسافرتی بصورت آنلاین در افغانستان پیشتاز می باشد، که از جدید ترین تکنالوجی روز استفاده کرده و آنرا مطابق خواست مشتریان محترم تهیه نموده است. وب سایت skytravels.com بعنوان یک شرکت کاملاً افغانی، ارایه کننده خدمات فروش تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان به مشتریان خویش میباشد. استفاده از skytravels.com آسانترین، کوتاه ترین و ارزانهترین طریقه برای رفع نیازمندی های مسافرتی شماست.

حالا شما میتونید با مراجعه به Google Play نرم افزار Skytravels و با مراجعه به App Store نرم افزار Skytravellers را دانلود نمایید.

020 230 4949 - 020 230 4848
SUPPORT@SKYTRAVELS.COM



صفحه ۲ | یادداشت روز

ناقضان قانون اساسی

خانه‌ی آزادی افغانستان گزارشی را زیر عنوان «قانون اساسی، نقض‌ها و خلاها» منتشر کرده است. بنا بر این گزارش، در سال‌های گذشته ۹۲ مورد نقض قانون اساسی نقض شده که قوای سه‌گانه‌ی دولت؛ مجریه، مقننه و قضائیه از نقض دست‌اول آن بوده‌اند. این گزارش به مصادیق نقض قانون اساسی، ناقضان قانون و مشکلات ساختاری که منتج به نقض قانون اساسی شده‌اند، پرداخته است.

حکومت یا قوه‌ی مجریه بیشترین سهم را در نقض قانون اساسی داشته است. رعایت نشدن زمان برگزاری انتخابات، سرباز زدن رییس‌جمهور از توشیح مصوبه‌های مجلس، حفظ سرپرست‌وزیران، ایجاد اداره‌های موازی، تمدید کار قاضی‌القضات، تمدید کار اعضای انتصابی مشرانو جرگه و مداخله در امور کمیسیون مستقل انتخابات از موارد نقض قانون اساسی توسط قوه‌ی مجریه است. به همین ترتیب، پارلمان یا نهاد قانون‌گذار، از طریق مداخله در امور انتخابات و وضع قوانین فرعی قانون اساسی را نقض کرده است. گزارش خانه‌ی آزادی افغانستان می‌گوید پارلمان در ۱۳ سال گذشته ده‌ها قانون فرعی را تصویب کرده است که برخی از آن‌ها مغایر قانون اساسی‌اند. مداخله‌ی پارلمان در انتخابات سال ۱۳۸۹ که باعث ایجاد محکمه‌ی انتخاباتی شد از دیگر موارد نقض قانون اساسی است. نقض قوه‌ی قضائیه در نقض قانون اساسی کم‌تر از قوای مجریه و قانون‌گذاری نیست. جرم پنداشتن فرار دختران از منزل از سوی قوه‌ی قضائیه و ایجاد دادگاه اختصاصی در مورد جنجال‌های انتخابات مجلس نمایندگان از نمونه‌های بارز نقض قانون اساسی توسط قوه‌ی...

صفحه ۲



خانه‌ی آزادی: در سیزده سال گذشته ۹۲ مورد نقض قانون اساسی صورت گرفته است

صفحه ۲

صفحه ۲ | خبرنگار ناراضی

روشنایی پیش از توتاپ

توتاپ پروژه‌ی برای روشنایی و به چرخش درآوردن چرخ‌های لقی و برق کار و صنعت بود. قرار بود برق ترکمنستان از افغانستان بگذرد و به پاکستان برود و در هر دو کشور، هم روشنایی بار آورد هم کار. اما پاکستان در حال حاضر در مسیر این لین قرار ندارد و خلاصه شده به افغانستان. نامش را تغییر داده به لین برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان. البته این کار پروژه هنوز به صورت عملی شروع نشده. یعنی هیچ برقی از این لین به افغانستان نرسیده، اما ما را همان‌گونه که هستیم، روشن کرده است. جنجال توتاپ به جایی رسیده که می‌رود منبع اصلی یک بحران کلان اجتماعی در افغانستان شود. حکومت -حالا به هر دلیلی- مسیر سالنگ را برای عبور این لین از شمال به جنوب انتخاب کرده...



صفحه ۲

چرا افغانستان بار دیگر در لبه‌ی پرتگاه قرار گرفته است؟

در زمان راندگی در کابل، روی شیشه‌ی ماشین‌هایی که در شهر تردد می‌کنند برچسب‌هایی را می‌بینید که شعار نوشته شده روی تعدادی از آن‌ها، از بهترین راه زندگی در شهری سخن می‌گوید که سرشار از رنج‌ها و دشواری‌ها است و در چشم بسیاری از مردم افغانستان، رو به ویرانی بیشتری پیش می‌رود.

از زیباترین شعارهایی که می‌توان دید این است: «از امروز لذت ببر، و فردا را فراموش کن!» اما این کار دشوارتر از آن است که به نظر می‌آید.

دشواری آن زمانی روشن‌تر شد که ماه گذشته، طالبان در یک بمب‌گذاری...



صفحه ۲

جدال ظلمت و روشنایی در سرزمین آفتاب

«بر کوه اصفهان چاهی ست قعر آن پدید نیست. کودکی در آن افتاده. به روزگار اسحاق سیمجوری. و وی پادشاه بود. دلتنگ شد. و مادر وی جزع می‌کرد. مردی را از زندان به‌در آورد که مستوجب قتل بود و در زنبیلی نهاد و فرو فرستاد، به شرط آن که تا هفت روز برکشند. هفت روز می‌رفت و وی سنگی در زنبیل داشت، فرو افکند و سه شبانه روز گوش می‌داشت، هیچ آواز بر نیامد. و وی را برکشیدند. گفتند: چه یافتی؟ گفت: ظلمت!» (نقل از بابک احمدی، خاطرات ظلمت).

و این قصه نیست، تخیل و تفنن هم نیست؛ یک واقعیت تلخ است...



صفحه ۲

داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

+93(0)777071333
+93(0)700071333
+93(0)790071333
+93(0)786071333
www.flyariana.com
info@flyariana.com



دو طرفه	یکطرفه	
590\$	300\$	کابل - مسکو
266\$	135\$	کابل - دهلی
12000AF	6000AF	کابل - هرات



یکشنبه
۱۹ ثور
۱۳۹۵
سال پنجم
شماره ۱۰۶۱



یادداشت روز

ناقضان قانون اساسی

کوکو جواد ناجی

خانه‌ی آزادی افغانستان گزارشی را زیر عنوان «قانون اساسی، نقض‌ها و خلاها» منتشر کرده است. بنا بر این گزارش، در سال‌های گذشته ۹۲ مورد قانون اساسی نقض شده که قوای سه‌گانه‌ی دولت؛ مجریه، مقننه و قضائیه از ناقضان دست‌اول آن بوده‌اند. این گزارش به مصادیق نقض قانون اساسی، ناقضان قانون و مشکلات ساختاری که منتج به نقض قانون اساسی شده‌اند، پرداخته است.

حکومت یا قوه‌ی مجریه بیشترین سهم را در نقض قانون اساسی داشته است. رعایت نشدن زمان برگزاری انتخابات، سرباز زدن رییس‌جمهور از توشیح مصوبه‌های مجلس، حفظ سرپرست‌وزیران، ایجاد اداره‌های موازی، تمدید کار قاضی‌القضات، تمدید کار اعضای انتصابی مشرانو جرگه و مداخله در امور کمیسیون مستقل انتخابات از موارد نقض قانون اساسی توسط قوه‌ی مجریه است. به‌همین ترتیب، پارلمان یا نهاد قانون‌گذار، از طریق مداخله در امور انتخابات و وضع قوانین فرعی قانون اساسی را نقض کرده است. گزارش خانه‌ی آزادی افغانستان می‌گوید پارلمان در ۱۳ سال گذشته ده‌ها قانون فرعی را تصویب کرده است که برخی از آن‌ها مغایر قانون اساسی‌اند. مداخله‌ی پارلمان در انتخابات سال ۱۳۸۹ که باعث ایجاد محکمه‌ی انتخاباتی شد از دیگر موارد نقض قانون اساسی است. نقش قوه‌ی قضائیه در نقض قانون اساسی کم‌تر از قوای مجریه و قانون‌گذاری نیست. جرم پنداشتن فرار دختران از منزل از سوی قوه‌ی قضائیه و ایجاد دادگاه اختصاصی در مورد جنجال‌های انتخابات مجلس نمایندگان از نمونه‌های بارز نقض قانون اساسی توسط قوه‌ی قضائیه محسوب می‌شوند.

در کنار قوای سه‌گانه‌ی دولت، شورای علما نیز از عاملین نقض قانون اساسی است. گزارش خانه‌ی آزادی می‌گوید شورای علما در سال ۱۳۹۰ اعلامیه‌ی را در مورد زنان صادر نمود که اشراف مردان بر زنان، حرام پنداشتن حضور و کار زنان در فضایی که مردان باشند، عدم اجازه به مسافرت زنان بدون محرم شرعی و... را از الزامات اساسی برای زنان دانسته بود. از نظر خانه‌ی آزادی، این اعلامیه اساساً در مخالفت آشکار با ماده‌ی ۲۲ قانون اساسی و روح قانون اساسی کشور که حمایت از زنان را مد نظر دارد، قرار دارد. خانه‌ی آزادی تعدیل قانون اساسی را به‌عنوان یک راه‌حل مطرح کرده و از حکومت خواسته است پیروسی تعدیل قانون اساسی را هرچه زودتر آغاز نماید.

نویسندگان این گزارش به چرایی نقض قانون اساسی اشاره کرده‌اند: عدم فهم از قانون اساسی و قوانین فرعی، ناهنجاری در قانون اساسی، ابهام در برخی از ماده‌های قانون اساسی، سوءاستفاده از قدرت و صلاحیت‌ها، قدرت‌طلبی، فرهنگ قانون‌گریزی، موجودیت زورمندان، فساد مالی و اداری از دلایل اصلی نقض قانون می‌باشند.

پیش از نشر گزارش خانه‌ی آزادی به تکرار از نقض قانون اساسی توسط قانون‌گذاران و مجریان آن سخن گفته شده است. اما این نخستین بار است که مصادیق نقض قانون اساسی به‌صورت مستند و موردی و پس از گفت‌وگو با اعضای مجلس، مقامات بلندپایه‌ی دولتی و کارشناسان مسایل حقوقی، منتشر می‌شود. قانون اساسی به‌مثابه‌ی مادر قوانین مطرح است و دولت در تطبیق و اجرای آن مکلف دانسته شده است، اما این گزارش می‌گوید کارگزاران آن از ناقضان اصلی قانون بوده‌اند. به‌رغم قانون‌شکنی‌های گسترده، اما هیچ یک از مسئولین حاضر به پاسخ دادن نیست.

شهروندان از ناقضان قانون اساسی به چه نهادی می‌توانند شکایت ببرند در صورتی که تمامی نهادهای مربوطه آلوده و متهم به نقض قانون اساسی‌اند؟ قانون‌گذار خود ناقض قانون است، مجری و پاسبان قانون تبدیل به غول قانون‌شکنی شده است، مراجع عدل و قضاوت خود در فساد و بی‌عدالتی غرق‌اند.

تنها امید برای رهایی از این وضعیت، تغییر و گذشت زمان بود. قدرت از حکومت پیشین به حکومت وحدت ملی منتقل شد، کارگزاران و قانون‌گذاران هم تغییر کردند. این تغییرات انجام شد که در نتیجه‌ی آن قانون اساسی هم ارزش خود را از دست داد و بی‌اعتبار شد. در حال حاضر قانون اساسی کنار گذاشته شده و حکومت اعتبار یا مشروعیت قانون اساسی را ندارد.

خانه‌ی آزادی:

در سیزده سال گذشته ۹۲ مورد نقض قانون اساسی صورت گرفته است

گزارش خانه‌ی آزادی افغانستان نشان می‌دهد که قوه‌ی قضائیه نیز در چندین مورد اقداماتی را انجام داده است که خلاف قانون اساسی کشور پنداشته می‌شود.

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که تأمین عدالت قضایی به‌گونه‌ی گسترده نقض شده و این کار در مغایرت آشکار با قانون اساسی کشور می‌باشد.

همچنین در این گزارش آمده است که جرم پنداشتن فرار دختران از منزل از سوی قوه‌ی قضائیه و ایجاد دادگاه اختصاصی در مورد جنجال‌های انتخابات مجلس نمایندگان از نمونه‌های بارز نقض قانون اساسی توسط قوه‌ی قضائیه محسوب می‌شوند.

نقض قانون اساسی توسط شورای علما

خانه‌ی آزادی افغانستان، شورای علما را نیز عامل نقض قانون اساسی کشور معرفی کرده است. در این گزارش آمده که شورای علمای افغانستان در سال ۱۳۹۰ اعلامیه‌ی را در مورد زنان صادر نمود که اشراف مردان بر زنان، حرام پنداشتن حضور و کار زنان در فضایی که مردان باشند، عدم اجازه به مسافرت زنان بدون محرم شرعی و... را از الزامات اساسی برای زنان دانسته بود. از نظر خانه‌ی آزادی، این اعلامیه اساساً در مخالفت آشکار با ماده‌ی ۲۲ قانون اساسی و روح قانون اساسی کشور که حمایت از زنان را مد نظر دارد، قرار دارد.

دلایل نقض قانون اساسی

یافته‌های خانه‌ی آزادی نشان می‌دهد که عدم فهم از قانون اساسی و قوانین فرعی، ناهنجاری در قانون اساسی، ابهام در برخی از ماده‌های قانونی اساسی، سوءاستفاده از قدرت و صلاحیت‌ها، قدرت‌طلبی، فرهنگ قانون‌گریزی، موجودیت زورمندان، فساد مالی و اداری از دلایل اصلی نقض قانون می‌باشند. در این گزارش گفته شده است که دلایل نقض قانون اساسی در برخی موارد عمدی نیست. ممکن است برخی ماده‌های قانون، نتواند نیازمندی‌ها و ضروریات اجتماعی و سیاسی یا اداری را برطرف سازد، در چنین مواردی اقدامات حکومت برای رفع مشکل ممکن است که نقض قانون تلقی گردد.

راه‌حل‌ها

خانه‌ی آزادی افغانستان تعدیل قانون اساسی را به‌عنوان یک ضرورت جدی مطرح کرده و از حکومت خواسته است پیروسی تعدیل قانون اساسی را هرچه زودتر آغاز کند.

در پیش‌نهاد خانه‌ی آزادی افغانستان بر اجرایی شدن موافقت‌نامه‌ی سیاسی تشکیل حکومت وحدت ملی تأکید شده و برای ایجاد تعدیل‌های لازم در قانون اساسی تشکیل کمیته‌ی مشكل از حقوق‌دانان و نخبگان سیاسی برای بررسی این امر پیش‌نهاد شده است.

در این گزارش همچنین پیش‌نهاد شده که با توجه به بافت قومی کشور سه معاون برای ریاست‌جمهوری به نمایندگی از سه قوم در نظر گرفته شود و یکی از آنان به زنان اختصاص یابد. همچنین گفته شده است که در تعدیل قانون اساسی به حقوق سیاسی و شهروندی هندوواران و اهل هندو افغانستان نیز توجه شود.

تأکید شماری از نمایندگان بر عبور لین برق موسوم به توتاپ از مناطق مرکزی

اطلاعات روز: شماری از نمایندگان در نشست روز شنبه مجلس تأکید داشتند که لین برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان موسوم به «توتاپ» از مسیر بامیان- میدان وردک عبور داده شود.

شماری دیگر از نمایندگان نیز نظریاتی در تقابل نظریات این نمایندگان داشته و گفتند که اعتراضات مدنی و بیانیه‌های برخی سیاست‌مداران در مورد پروژه‌ی توتاپ تحریک‌آمیز و بحران‌زا است.

خداداد عرفانی، غلام‌حسین ناصری و فکوری بهشتی در حمایت از اعتراضات مدنی مردم مناطق مرکزی و عبور این لین برق از مسیر بامیان- میدان وردک گفتند که حق خواستن به معنای بغاوت در برابر دولت نیست.

غلام‌حسین ناصری، یک عضو مجلس گفت: «دادخواهی مردم حق خواستن از حکومت است؛ مردم حق دارند که در برابر یک تصمیم تبعیض‌آمیز دادخواهی کنند و اگر قرار است بحرانی به‌وجود بیاید حکومت خود مسئول آن خواهد بود.»

خداداد عرفانی، عضو دیگر مجلس گفت: «حرف‌هایی از سوی برخی از نمایندگان در نشست دیروز مجلس مطرح می‌شود که بوی نفاق و تفرقه از آن می‌آید؛ در حالی که خانه‌ی ملت باید راه‌حل برای رفع مشکلات دریابد؛ این‌گونه موضع‌گیری از سوی نمایندگان غیرمنطقی است.»

فکوری بهشتی نیز گفت: «موضوع اعتراض‌ها در مورد تغییر مسیر پروژه‌ی توتاپ تنها مربوط به بامیان نیست؛ این برق مربوط به تمام افغانستان است. حکومت در مورد دلایل تغییر مسیر این پروژه دروغ می‌گوید، دو خط برق از مسیر سالنگ گذشته و خط سومی از نگاه تخنیک‌ی و فنی هیچ توجهی ندارد.»

اقبال صافی، شینکی کروخیل و نسیمه نیازی به تظاهرات دادخواهی مردم مناطق مرکزی اعتراض داشته و با تحریک‌آمیز خواندن بیانیه‌های شماری از سیاست‌مداران گفتند که لین برق ۵۰۰ کیلوولت از مسیر سالنگ عبور داده شود.

باشندگان دایکندی نیز از تصمیم حکومت مبنی بر تغییر مسیر توتاپ از بامیان به سالنگ اعتراض کردند

فصله‌ی کابینه در نشست (شنبه ۱۱ ثور) برای تغییر مسیر این لین برق از مناطق مرکزی به سالنگ اعتراضات گسترده‌ی باشندگان مناطق مرکزی را در پی داشته است. روز شنبه هزارها تن از باشندگان ولایت دایکندی در تظاهرات راهپیمایی‌شان تصمیم دولت را تبعیض‌آمیز خوانده و از عبور این لین برق از مسیر بامیان- میدان وردک حمایت کردند.

معترضان در شهر نیلی مرکز دایکندی این تصمیم رهبری حکومت را خلاف انکشاف متوازن، تبعیض‌آمیز و بی‌عدالتی خواندند و به حکومت هشدار دادند، اگر در این زمینه تجدید نظر نکند، به اعتراض‌شان ادامه خواهند داد.

روز جمعه نیز هزارها تن از باشندگان بامیان با راهپیمایی گسترده به حکومت هشدار دادند در صورتی که در این تصمیم تجدید نظر نشود، گزینه‌های جدی را روی دست دارند.

پیش از این نیز شماری از سران حکومتی چون؛ سرور دانش، محمد محقق، معاونان ریاست‌جمهوری و ریاست اجراییه، عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ، شماری از نمایندگان در مجلس، سران احزاب سیاسی ضمن اعتراض و انتقاد از تصمیم حکومت مبنی بر تغییر بدون توجه مسیر این لین برق، حمایت‌شان را از مسیر بامیان- میدان وردک اعلام کردند.

در حالی که اعتراض‌ها در حال گسترده شدن است، حکومت و مقام‌ها در شرکت برق برشنا بر موضع قبلی خود پافشاری دارند و می‌گویند که شرکت المانی فیشتر در سروی دوم مسیر سالنگ را برای عبور این لین برق انتخاب کرده است. اما تاکنون سندی برای اثبات این ادعا ارائه نکرده است.

در تازه‌ترین واکنش‌ها بر تصمیم حکومت شورای عالی مردمی حمایت از انتقال این لین برق از طریق بامیان، اعلان کرده است که روز دوشنبه هفته‌ی جاری در یک گردهم‌آیی بزرگ، تاریخ دقیق تظاهرات میلیونی در کابل را اعلام خواهد کرد.



جدال ظلمت و روشنایی

در سرزمین آفتاب



عمران راتب

«بر کوه اصفهان چاهی ست قعر آن پدید نیست. کودکی در آن افتاده. به روزگار اسحاق سیمجوری. و وی پادشاه بود. دلنگ شد. و مادر وی جزع می کرد. مردی را از زندان بهدر آورد که مستوجب قتل بود و در زنبیلی نهاد و فرو فرستاد، به شرط آن که تا هفت روز برکشند. هفت روز می رفت و وی سنگی در زنبیل داشت، فرو افکند و سه شبانه روز گوش می داشت، هیچ آواز بر نیامد. و وی را پرکشیدند. گفتند: چه یافتی؟ گفت: ظلمت!» (نقل از بابک احمدی، خاطرات ظلمت).

و این قصه نیست، تخیل و تفتن هم نیست؛ یک واقعیت تلخ است: ظلمت. ظلمت دشمن روشنی و روشن اندیشی است. ظلمت و ظالم نمی خواهد عقلانیت راهنمای عمل انسان ها شود و بیرون رفتن از تاریکی و روشن اندیشی غایت زندگی شان. چون با وجود روشنی و عقلانیت، ظلمت و جهل افشا و بی نقاب می شود. تبعیض و تعصب یکی از گونه های دیرینه ی ظلمت و جاهلیت است. چون ظالم برای افشا نشدن از دیگران واهمه دارد. می ترسد آن ها ماهیتش را افشا نموده و بر آفتاب اندازد. از این است که در برابر آن ها تعصب می ورزد و سرسختی می کند. اینک چند نکته.

یک: حرف بر سر رویکرد تبعیضی حکومت وحدت ملی و شرکت سیاسی و نامی برشنا و مبارزه ی ملی علیه این رویکرد است. مسأله خیلی روشن است: رویرویی تبعیض و مدنیت؛ مواجهه ی مناقبت با حقیقت و برخورد تاریکی با روشنی. این اتفاق زیبایی است: مبارزه ی جزئومه های ظلمت و اسطوره های روشنی در سرزمین آفتاب درخشان. در این رویکرد، رابطه میان عامل و قربانی، همیشه یک نامعادله است. در این رابطه تعادل وجود ندارد. زیرا انگیزه و فلسفه ی وجودی عامل تبعیض و رویکرد او، از هم پاشیدن موازنه و معادله است. تبعیض بروز می کند تا همسانی و موازنه را از بین ببرد. همین که این رابطه شکل می گیرد، یعنی وضعیتی خلق می شود که در آن یکی مجرم است و دیگری قربانی، دیگر حرف از موازنه و معادله و هنجارهای اخلاقی نمی توان زد. بدویت و مدنیت زبان مشترک ندارند. دو قطب دخیل در این وضعیت، به دو سوی متفاوت در حرکت اند: یکی با اعمال و اقدام های عدالت براندازانه و تاریکی آفرین در پی حذف و نفی و ممانعت است و دیگری در پی اثبات و نفی و روشن سازی و مشارکت. در یک سمت حقیقت است و در سمت دیگر منافقت. در یکسو مبارزه برای اثبات حق و حقیقت است و در سوی دیگر اعمال تبعیض و ناحقیقت. یعنی در نهاد عمل تبعیض گر پنهان کاری، دروغ، از این شاخه به آن شاخه پریدن و توجیه و هزارتو ساختن مسأله و در عمل قربانی، در ذات این عمل، جنبه ی ایضاح و روشنی بخشی وجود دارد. قربانی می خواهد با روشن نمودن وضعیت موجود که مجرم در سایه ی آن دست به جرم و تبعیض می زند، فقط در پی این است که حقیقت های پنهان و کنج و زاویه های وضعیت را آن گونه که است جلو چشم همگان روشن و ثابت نماید. از این رو، در ذات عمل قربانی کنش خاصی نهفته که مشخصه ی آن روشن سازی و اثبات حقیقت است. به واسطه ی همین اثبات و دریدن نقاب ها و افشاگری ها، عمل قربانی اساساً رادیکال می شود. زیرا حقیقت همیشه عریان است. یعنی حقیقت پیرایه و

نقاب ندارد. چندلایه نیست. تکین، بنیادی و قابل نمایش است. اما با کنش حذف و منع و طرد عامل تبعیض یا عامل حقیقت کشی، این حقیقت زیر چندین لایه یی از دروغ و تظاهر و کژدیسگی پنهان می شود. حقیقت در جبر عمل جبارانه ی حقیقت کش و تبعیض گر، ناپیدا و هزارتو جلوه می کند. از این رو هم هست که گاهی ما از این که به حقیقت متوسل شویم، هراس و دلهره داریم. می ترسیم به آن حقیقت نرسیم و در مغاک دیگر فرو غلتیم. اما این ظاهر قضیه است. مه و غباری است که عامل تبعیض و حقیقت کشی در فضای حقیقی افشاند است. در مواجهه با این غبار نیز باید روشن و رادیکال بود. یعنی جرأت رویارویی با غبار و ریسک های آن را با تمام توان داشت.

دو: هر عمل رادیکالی که در پی نفی رشته یی از منع و طردهاست، مقدس است. پاک است. یعنی در عمل رادیکالی که مرجع و محور آن حقیقت است، نمی توان خدشه و فریب و دروغ یافت. این از نفس این عمل بر می خیزد. همچنان که در عمل و کنش مقابل این، یعنی در سمت تبعیض و حقیقت کشی نمی توان هیچ موردی از راستی و درستی یافت. اگر عدالت اجتماعی بزرگ و مقدس پنداشته می شود، اگر انکشاف متوازن بر حق و مستدل است و اگر مبارزه ی قربانی تبعیض و حذف مبارزه یی است انسانی و مقدس، برای این است که فریب و دروغ و تاریکی و پنهان سازی در آن نیست. می توان با اعمال گسترده ی تبعیض و حق کشی که ذات عمل مجرم و تبعیض گر است، آن مبارزه را تضعیف نمود، توجیه کرد و بد گفت، اما نمی توان در حقانیت چنین مبارزه و حقیقتی خدشه و مناقشه وارد کرد.

تاریخ منازعه ی روشنی و تاریکی، تاریخی است طولانی، به درازای تاریخ موجودیت جامعه ی بشری. این منازعه همیشه با رنج و جدلی سخت همراه بوده است. مبارزه ی روشنی با ظلمت. لذا نباید در شگفت زدی از اعمال تبعیضی و تاریکی و نابودگری حکومت وحدت ملی. وسیله ی نابودگری آن که همانا مبارزه ی بی امان است را فراموش کرد. باید ایستاد و مبارزه کرد و به آن فردای نزدیک و دنیای روشنی اندیشید که این تاریکی و ظلمت و ظلمت اندیشان در آن وجود ندارند و نابوده شده اند. باید به فراتر از فقط توتاپ، به وجود تبعیض و تفاوت اندیشید و بر نابودی آن تمرکز کرد. اما شکی نیست که توتاپ گره گاه این مبارزه است.

می توان چراغ را خاموش نمود، این حکایت از گستردگی و عمق ظلمت و تاریک اندیشی جباران و جلادان دارد، اما با این خاموش سازی نمی توان بدی و ناراستی چراغ را نتیجه گرفت. می توان با سلطه ی جبارانه و حقیقت کش ملتی را از نعمت روشنی برق محروم کرد برای مدتی، اما نمی توان قلب تپنده و روشن گر و انسانی آن ها را تاریک و مکرر ساخت. آن ها همچنان می درخشند و با این درخشش بی امان و همارگی شان ظلمت و تاریکی اعصار و قرون را نابود می کنند. این سیر آشنای تاریخ است و منطق زندگی و عقلانیت هستی. نمی توان چرخ را وارونه گرداند و به سوی بدویت شتافت. گذر زمان طوری بوده که ثابت کرده است ظلمت و جاهلیت کم کم سروری و برتری کذایی خود را از دست می دهد و روشنی، حقیقت و عقلانیت جای گزین آن می شود.

سه: خطا است اگر فکر کنیم که «جنبش روشنایی» و اعتراض و مبارزه ی مردم منحصر به لین برق توتاپ است. روشنی همه ی مؤلفه های برحق یک جامعه ی خوب و عادلانه را در بر می گیرد. عدالت اجتماعی روشنی است، انکشاف متوازن روشنی است. رفع و نفی تبعیض معطوف به روشنی است و بالاخره حقیقت و عقلانیت روشنی است؛ همچنان که ظلمت و تاریکی تنها به تغییر مسیر این لین خلاصه نمی شود. تغییر نابخردانه و تبعیض آمیز این مسیر یکی از معلول های ظلمت در کلیت است که زندگی انسان های این مرزوبوم را به چارمخ کشیده است. این مبارزه نه قومی است و نه مربوط به سمت و سوی خاص، بلکه مبارزه یی است برای استقرار عدالت و نفی ظلمت. هر تلاشی در جهت قومی و یا سمتی نمایاندن این مبارزه، تلاشی است کج اندیشانه و سیاه نمایی به خاطر استمرار سیاهی و تاریکی در کشور.

چهار: حکومت وحدت ملی اگر امروزه تاریک اندیشی و تبعیض را پیشه ی خود ساخته و بر آن با خیره سری تمام اصرار و پافشاری دارد، با فردا و فرداهایش چه می تواند کرد؟ آیا این مرجع و متکای تاریکی و ظلمت تضمین آن را می کند که عاملان آن از بنیاد در این تاریکی و تبعیض نسوزند؟ خوشبختانه چنین نبوده و نخواهد بود. اردوگاه های مرگ نازیسم امروزه عبرت فراموش ناشدنی برای آن است که دیگر چنین تجربه یی در سرنوشت جامعه ی انسانی تکرار نشود و آشوبستی برپا نگرند. حاکمیت ظلمت و تبعیض و نابودگری در هر عصری، هرگز دلیلی بر حقانیت آن نبوده و نیست، بل همیشه این روشنی و عقلانیت بوده که پیروز نهایی میدان شده است. تاریکی و تاریک اندیشی به سوی آن آینده ی محتومی می رود که اقتضای ذات و طبیعتش هست: تاریکی و نابودی.

پنج: تاریخ منازعه ی روشنی و تاریکی، تاریخی است طولانی، به درازای تاریخ موجودیت جامعه ی بشری. این منازعه همیشه با رنج و جدلی سخت همراه بوده است. مبارزه ی روشنی با ظلمت. لذا نباید در شگفت زدی از اعمال تبعیضی و تاریکی و نابودگری حکومت وحدت ملی. وسیله ی نابودگری آن که همانا مبارزه ی بی امان است را فراموش کرد. باید ایستاد و مبارزه کرد و به آن فردای نزدیک و دنیای روشنی اندیشید که این تاریکی و ظلمت و ظلمت اندیشان در آن وجود ندارند و نابوده شده اند. باید به فراتر از فقط توتاپ، به وجود تبعیض و تفاوت اندیشید و بر نابودی آن تمرکز کرد. اما شکی نیست که توتاپ گره گاه این مبارزه است.

یکشنبه

۱۹ ثور

۱۳۹۵

سال پنجم

شماره ۱۰۶۱



خبرنگار ناروازی

هادی دریایی

روشنایی پیش از توتاپ

توتاپ پروژه یی برای روشنایی و به چرخش درآوردن چرخ های لقویق کار و صنعت بود. قرار بود برق ترکمنستان از افغانستان بگذرد و به پاکستان برود و در هر دو کشور، هم روشنایی بار آورد هم کار. اما پاکستان در حال حاضر در مسیر این لین قرار ندارد و خلاصه شده به افغانستان. نامش را تغییر داده به لین برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان. البته این کار پروژه هنوز به صورت عملی شروع نشده. یعنی هیچ برقی از این لین به افغانستان نرسیده، اما ما را همان گونه که هستیم، روشن کرده است.

جنجال توتاپ به جایی رسیده که می رود منبع اصلی یک بحران کلان اجتماعی در افغانستان شود. حکومت -حالا به هر دلیلی- مسیر سالنگ را برای عبور این لین از شمال به جنوب انتخاب کرده، اما بخشی از مردم افغانستان به مسیر بامیان-میدان وردک رأی می دهند. هر دو مسیر دلایل خودش را دارد. حکومت برچند کیلومتر کوتاهی مسیر سالنگ و چند میلیون کاهش هزینه ی این مسیر تکیه دارد و مردم به امنیت مسیر بامیان از لحاظ تخنیک و مفیدیت این پروژه از لحاظ اقتصادی در درازمدت و انکشاف متوازن تکیه دارند. حالا جدا از این که کدام مسیر به نفع مردم است (که بسیار واضح است)، بیایید روشنی های توتاپ را برشماریم. توتاپ ما را روشن کرده. ممکن برسید که چطور روشن کرده وقتی هنوز یک متر هم از این لین کشیده نشده؟ خدمت عرض کنم که روشنی دو رقم است. یک روشنی آن است که لامپی روشن می شود و مقداری از فضای تاریک را روشن می کند. یک روشنی آن است که توتاپ مقدار فهم و دانایی ما را روشن می کند.

به طور مثال، در بامیان هستند خانواده هایی که تا هنوز در مغاره ها زندگی می کنند. اما از همان مغاره ها بچه های خویش را به مکتب فرستاده و امروزه همان بچه های مغاره نشین استدلال می کنند که اگر لین برق ۵۰۰ کیلوولت از بامیان بگذرد، زمینه ی استخراج زغال سنگ و تولید برق حرارتی مطمئن و مدام را برای افغانستان فراهم می کند. و این گونه زمینه ی استخراج معادن آهن حاجی گگ و مس عینک فراهم می شود. ضمن این که خطرات طبیعی و تخنیک در این مسیر هیچ وجود ندارد. اما اگر این لین از مسیر سالنگ بگذرد، ضمن این که خطرات طبیعی بالاست و از لحاظ تخنیک برای هر سه لین (لینی که فعلاً کشیده شده، لین کاسا-۱۰۰۰ و توتاپ) مشکل ایجاد می شود، امکان استخراج زغال سنگ و تولید برق حرارتی برای مردم افغانستان از بین می رود.

در سوی دیگر این روشنایی قبل از آمدن توتاپ، وکلایی قرار دارند که بدون هیچ استدلالی (جز استدلال شرکت برشنا و وزارت انرژی، همان که این مسیر کوتاه است و چند میلیون دالر کم تر هزینه دارد)، خواهان انتقال این لین از مسیر سالنگ اند. یک عدد از این دست وکیل ها، با عالی از خشم و زورگویی، آمده گفته که ما خواهان انتقال لین کاسا-۱۰۰۰ (توتاپ) از مسیر سالنگ هستیم و هرکسی که در این راستا با ما مخالفت کند، با زور مردم فلانی این دقیقاً از برکت توتاپ است که ما را روشن می کند تا همه عالم بدانند که ما چه قدر فهمیده، منطقی، مستدل و آینده نگر هستیم. مسأله این نیست که آن وکیل درست نمی گوید، مسأله این است که آن وکیل انتخاب شده تا چنین بگوید. او که حداقل پنج سال وکیل یک ولایت است، هنوز فرق کاسا-۱۰۰۰ و توتاپ را نمی داند، چه طوری از او توقع داشته باشیم منطق عبور این لین از مسیر بامیان یا سالنگ را بفهمد. آن ها برای این که این لین از سالنگ باید عبور کند، زور خویش را از زمان حبیب الله کلکانی (یا به قول خودشان بچه ی سقاو) به این سو نشان می دهد و استدلال می کند که شما قبلاً در خانه های ما مزدور بودید و حق ندارید بر انتخاب ما اعتراضی بکنید.

اگر به صورت خیلی خلاصه روشنایی توتاپ را در حالی که هنوز نیامده بیان کنم، این می شود: در یک سمت جنجال توتاپ، مردمی قرار دارند که از مفیدیت حال و صدسال بعد این پروژه سخن می گویند. قانون اساسی و اصل انکشاف متوازن را شاهد می آورند. طبیعت و دانش را قاضی قرار می دهند. اما در سوی دیگر این جنجال، وکلایی قرار دارند که از زور و بدحویی صدسال قبل سخن می گویند. کاری هم به طبیعت خشن سالنگ و مشکلات ناشی از تنگ بودن ساحه ندارند. هی تهدید می کنند. نه آینده برای شان مهم است، نه کار و نه صنعت.

ما هم این روشنایی را که نشان می دهد سطح منطق در کجاست، مدیون پروژه یی به اسم توتاپ هستیم.

چرا افغانستان بار دیگر در لبه پرتگاه قرار گرفته است؟



ان.پی.آر/فیلیپ ریوز

ترجمه: معصومه عرفانی

پیش از انتخابات، برای پیشگیری از رخ دادن افتضاح دیگری مانند انتخابات ۲۰۱۴، اصلاحات انتخاباتی باید صورت بگیرد. به گفته‌ی مایکل کولمن، عضو ارشد مرکز بین‌المللی وودر ویلسون در جنوب و جنوب‌شرق آسیا، دولت افغانستان تاکنون ناکام بوده و حتی موفق به پرکردن تمام پست‌ها در کابینه‌اش نشده است.

با این حال، شکست در برآورده کردن وعده‌هایی که در زمان مذاکرات برای شکل‌گیری دولت داده شده بود، خطرات جدی با خود همراه دارد. غنی دشمنان سیاسی بسیاری دارد که انتظار می‌رود از این شکست‌ها به‌عنوان شاهدهی بر این مدعا که دولت غنی مشروعیت خود را از دست داده است استفاده کنند. این امر به نوبه‌ی خود می‌تواند راه را برای سقوط دولت باز کند.

کولمن می‌گوید: «وضعیت بازی در این‌جا کاملاً آشکار است. ما با یک رژیم ناکارآمد و چندپارچه در کابل سروکار داریم که کاری را باید به انجام برساند که قدرت فراوانی نیاز دارد. با چنین شرایطی، اگر این دولت موفق نشود تا خطرات را خنثا کند، غلبه بر تهدیدهایی که بقای سیاسی این دولت را تهدید می‌کنند، به مراتب دشوارتر خواهد شد.»

عامل دیگری نیز وجود دارد که این وضعیت را حتی بیشتر متزلزل می‌کند: به نظر نمی‌آید هیچ‌کسی با اطمینان بتواند بگوید که این دولت برای چه مدتی قرار است سر کار باشد. توافقنامه‌ی امضا شده در رابطه با این مسأله ساکت است.

تعدادی از مردم افغانستان باور دارند که پایان کار این دولت پس از دو سال خواهد بود - زمانی بسیار نزدیک به پایان دولت اوباما که احتمالاً بی‌ثباتی‌های بیشتری را به بار می‌آورد. جان کری در آخرین دیدارش از کابل تلاش کرد تا بر آتشی که بر سر این مسأله افروخته شده است آب بپاشد و آن را آرام کند. او قاطعانه اعلام کرد که دولت افغانستان در حقیقت برای پنج سال بر سر کار خواهد بود، هرچند این در شرایط توافق‌نامه ذکر نشده است. مردم افغانستان ایالات متحده را به مداخله در امور داخلی کشورشان متهم می‌کنند.

دفع بلا

ساعت شلوغی کابل است و پسر کوچکی به نام عدیل در ترافیک میان ماشین‌ها سرگردان است. او با خودش قوطی حلبی کوچکی همراه دارد که حاوی ذغال و دانه‌هایی در حال سوختن است. او قوطی‌اش را تکان می‌دهد و دودی از آن بلند می‌شود. عدیل از پهلوی ماشینی به ماشینی دیگر می‌رود و ابر کوچکی را در اطراف هر ماشینی به وجود می‌آورد. همزمان، جمله‌ی بی‌ارامی می‌خواند که از قدیم برای دفع بلا استفاده می‌شود. راننده‌ی چند سکه در دستش می‌گذارد. باوری میان مردم افغانستان وجود دارد که براساس آن، دودی که از سوختن این دانه‌ها بلند می‌شود، نوعی دفع بلا است و آن‌ها را در برابر بخت بد محافظت می‌کند.

این روزها، کابل پر است از پسر بچه‌هایی با قوطی‌های حلبی که در آن دانه‌های دفع بلا می‌سوزند، و سرنوشت خود این پسران، سرشار است از بخت بد. برای دیدن آن‌ها، کافی است در کابل پرسه بزنید.

میان مردم کابل اضطراب و نگرانی هرسو دیده می‌شود. تعدادی گمان می‌کنند که طالبان در نهایت کنترل کامل کشور را به دست خواهند گرفت. بسیاری از تکه‌تکه شدن کشور می‌ترسند. بخشی دیگر نگران هستند که باز هم به دوران جنگ‌های داخلی ویرانگر دهه‌ی ۱۹۹۰ بازگردند.

احمد سعیدی، تحلیل‌گر سیاسی در کابل و فعال جامعه‌ی مدنی، می‌گوید: «من نگران هستم که اگر ما قدم‌های درستی برنداریم، این منطقه نیز مانند کشور لیبیا از هم می‌پاشد و دولت اسلامی و طالبان خالی به‌وجودآمده را بر خواهند کرد». سعیدی در رابطه با شانس‌های دولت برای بقا تردید دارد و به گفته‌ی او، مناقشات داخلی میان اداره‌های ریاست‌جمهوری و ریاست اجراییه، وضعیت را بدتر می‌کند: «دولت مانند ماشینی است با دو فرمان که در دو جهت مختلف هدایت می‌شود». اواخر امسال، افغانستان بار دیگر برای دریافت بودجه‌ی بیشتر به سراغ حامیان بین‌المللی خود خواهد رفت. مقامات به پیشرفت‌های ایجادشده در کشور در بخش‌های آموزش و تحصیلات، زیرساخت‌ها، خدمات بهداشتی، رسانه‌های و دیگر بخش‌ها اشاره خواهند کرد.

همچنین خطراتی وجود خواهد داشت که اگر غرب در فراهم‌آوردن پشتیبانی‌های موردنیاز شکست بخورد، افغانستان به سادگی به هرج‌ومرج و جنگ‌های داخلی باز گشته و بار دیگر تبدیل به پناهگاهی برای القاعده و طرفداران هم‌فکر آن خواهد شد.

ممکن است کسی چنین استدلال کند که در زمانی که برای دریافت پول بیشتری از حامیان بین‌المللی لایه‌ی گری می‌شود، به نفع مردم افغانستان است که بدین باشند. اما حقایق قابل مناقشه نیستند.

تعدادی از مردم افغانستان باور دارند که پایان کار این دولت پس از دو سال خواهد بود - زمانی بسیار نزدیک به پایان دولت اوباما که احتمالاً بی‌ثباتی‌های بیشتری را به بار می‌آورد. جان کری در آخرین دیدارش از کابل تلاش کرد تا بر آتشی که بر سر این مسأله افروخته شده است آب بپاشد و آن را آرام کند. او قاطعانه اعلام کرد که دولت افغانستان در حقیقت برای پنج سال بر سر کار خواهد بود، هرچند این در شرایط توافق‌نامه ذکر نشده است. مردم افغانستان ایالات متحده را به مداخله در امور داخلی کشورشان متهم می‌کنند.

کشورشان متهم می‌کنند

به صدا درآوردن زنگ خطر هستند.

در ماه فبروری، جیمز کپر، رییس اطلاعات ملی، هشدار داد که افغانستان در سال ۲۰۱۶، «در معرض تهدید جدی یک شکست سیاسی قرار دارد».

او نگرانی‌اش را نسبت به «فقدان انسجام سیاسی، افزایش دولت‌های محلی مدعی قدرت، مشکلات اقتصادی، و حملات مداوم طالبان در سراسر کشور» بیان داشت.

نماینده‌ی سازمان ملل در افغانستان، نیکولاس هیسم، در ماه مارچ به شورای امنیت گفت که اگر دولت افغانستان تنها بتواند تا پایان این سال دوام بیاورد، باتوجه به نگرانی‌های بالا، این یک «دست‌آورد» خواهد بود.

یکی از نقاط آسیب‌پذیر اصلی دولت افغانستان این است که بنیاد شکل‌گیری آن از اساس ضعیف است. در سال ۲۰۱۴، افغانستان انتخاباتی را برگزار کرد که بر سر نتایج آن، با اتهام انجام گرفتن تقلب، اختلافات و مشاجرات شدیدی صورت گرفت.

وزیر امور خارجه‌ی ایالات متحده، جان کری، در این اختلافات میانجی‌گری کرد و منجر به شکل‌گیری توافقی شد که در آن هر دو کاندید برتر در قدرت شریک شدند. اشرف‌غنی عنوان رییس‌جمهور را به خود اختصاص داد و رقیب انتخاباتی‌اش عبدالله‌الله، به‌عنوان رییس اجراییه منصوب شد - مقامی که توسط فرمان رییس‌جمهور ایجاد شد.

هر دو طرف توافقنامه‌ی بی‌امضا کردند که این معامله برای تقسیم قدرت در آن گنجانده شده بود. یکی از شرایط ذکرشده در این توافقنامه، تعهد به برگزاری لویه جرگه پس از دو سال از آغاز دولت بود که وظیفه‌ی آن بحث بر سر اصلاح قانون اساسی و تبدیل مقام رییس اجراییه به نخست‌وزیر باشد.

آخرین مهلت برای برگزاری این لویه جرگه، پنج‌ماه بعد به پایان می‌رسد. تعداد اندکی از کارشناسان در افغانستان باور دارند که شانس چندانی برای برگزاری لویه جرگه تا آن زمان وجود دارد.

پیش از آن، باید انتخابات شورای ولایتی و پارلمانی انجام شود، چراکه اعضای لویه جرگه از این بدنه‌ها انتخاب می‌شوند.

می‌تواند در هر جا، بر زندگی مردم افغانستان تاثیر بگذارد. جاده‌های این شهر، پر شده است از پست‌های بازرسی، پولیس‌ها، سربازان، نگهبانان مسلح و ساختمان‌هایی پیچیده در سیم‌های خاردار و موانع بتنی ضخیم که از آن‌ها در برابر انفجار محافظت می‌کند. علی‌رغم میلیاردها دالر کمک‌های خارجی که به به این شهر سرازیر شده است، زنانی در برقع‌های آبی و مردانی نحیف با عصا، در خیابان برای پول گدایی می‌کنند.

برای مدت طولانی، کابل تا حدی برای خارجی‌ها امن بود. آن‌ها در کافه‌ها و رستوران‌ها غذا می‌خوردند. اما اکنون احتمال دیدن یک دیپلمات غربی در حال قدم‌زدن در خیابان‌های کابل، به‌همان اندازه است که شما احتمال داشته باشید خرسی قطبی را در شهر ببینید. کری جین ویلسون در مصاحبه‌ی با ان.پی.آر.بی در ماه مارچ گفت: «می‌توان گفت که آن‌ها زندانی شده‌اند».

پنج‌شنبه‌ی گذشته، ویلسون که کارمند یکی از مؤسسات خیریه بود، از شهر شرقی افغانستان، جلال‌آباد، رپوده شد. براساس گزارش‌ها، ربایندگان او مردانی بودند که خود را مقامات اطلاعاتی دولت معرفی کردند.

ویلسون برای ۲۰ سال در افغانستان کار کرده بود. او اخیراً با سازمان خیریه‌ی کار می‌کرد که به زنان فقیر افغانستان کمک می‌کرد تا خودشان تبدیل به کارآفرین شوند - برای مثال، با تولید و فروش کارهای دستی.

تا همین اواخر، او در اداره‌ی یک فروشگاه هنر و صنایع دستی به‌نام گنجینه همکاری می‌کرد که نمایشگاهی برای هنرمندان افغانستان بود و بین خارجی‌ها محبوبیت زیادی داشت. چند هفته قبل، بدتر شدن اوضاع امنیتی باعث شد تا گنجینه نیز به‌ناچار دره‌ایش را برای همیشه ببندد، چراکه به ندرت بازدیدکننده‌ی بی‌آن‌جا سر می‌زد.

شکست در برآورده کردن وعده‌ها

در طی سال‌هایی که گذشت، افغانستان که تحت‌الشعاع جنگ‌های خونین‌تر قرار گرفته بود، از سرتیتر خبرهای جهان محو شد. اما اکنون تعدادی از سیاست‌گذاران خارجی در حال

در زمان رانندگی در کابل، روی شیشه‌ی ماشین‌هایی که در شهر تردد می‌کنند برچسب‌هایی را می‌بینید که شعار نوشته‌شده روی تعدادی از آن‌ها، از بهترین راه زندگی در شهری سخن می‌گوید که سرشار از رنج‌ها و دشواری‌ها است و در چشم بسیاری از مردم افغانستان، رو به ویرانی بیشتری پیش می‌رود. از زیباترین شعارهایی که می‌توان دید این است: «از امروز لذت ببر، و فردا را فراموش کن!»

اما این کار دشوارتر از آن است که به نظر می‌آید.

دشواری آن زمانی روشن‌تر شد که ماه گذشته، طالبان در یک بمبگذاری بزرگ، و تیراندازی‌های پس از آن که سازمان امنیت ملی افغانستان را هدف قرار داده بود، منجر به کشته‌شدن ۶۴ نفر و زخمی‌شدن بیش از ۳۴۰ نفر دیگر شدند.

این حقیقت که شبه‌نظامیان قادر به راه‌اندازی چنین حملاتی در مناطقی در مرکز پایتخت هستند که قرار است امنیت بالایی داشته باشد، به اوج گرفتن انتقادات نسبت به رییس‌جمهور افغانستان اشرف‌غنی افزوده است.

همچنین، این حقیقت اتفاق نظر در میان ناظران بین‌المللی و افغانستان را تقویت کرده است که «دولت وحدت ملی» به‌رهبری اشرف‌غنی، که پس از انتخابات نافرجام سال ۲۰۱۴ در طی یک توافق شکل گرفت، در خطر سقوط قرار دارد.

غنی یکی از مقامات سابق بانک جهانی با شهرتی به‌عنوان «مغز متفکر جهان» است. او برای جلوگیری از آن‌که دولت‌ش توسط بحران‌های پیش روی افغانستان از هم نپاشد، وظیفه‌ی سنگین و خطیر بر شانه دارد.

غنی مدتی کوتاه پس از بمبگذاری کابل در یک سخنرانی گفت: «ما جنگ طلب نیستیم و هرگز نیز جنگی را شروع نمی‌کنیم. اما اگر جنگ را بر ما تحمیل کنند، مبارزه خواهیم کرد».

او گفت که دولت‌ش «متحد» است، اما در حقیقت این مسأله به‌شکل گسترده مورد مناقشه است.

بحران‌های متعددی در مقابل دولت افغانستان قرار دارد. اقتصاد افغانستان در وضعیتی نامناسب قرار گرفته است. پول افغانستان، در طی یک سال، ۲۰ درصد ارزش خود در برابر دالر را از دست داده است. چندین هزار نفر از مردم افغانستان، که بسیاری از آن‌ها جوان و از طبقه‌ی متوسط هستند، در جست‌وجوی شغل، آموزش و امنیت، به سمت اروپا رفته و کشور را ترک کرده‌اند.

جنگ با طالبان در حال گسترش است. تلفات افراد ملکی روزبه‌روز افزایش می‌یابد. بخش‌های زیادی از کشور خارج از کنترل دولت قرار دارد. مذاکرات صلح هنوز یک رؤیای بسیار دور است. فساد به‌شکل گسترده وجود دارد.

فقط کافی است برای مدتی با ماشین در کابل بگردید تا شواهدی از این امر بیابید که چگونه این بی‌ثباتی عمومی

چرا جوانب فراقومی اعتراضات مردمی مهم است؟

جمعه احمدی

چهلک

سخن داد هاتفا

شما هم تحریم می کنید

دولت وحدت ملی ظاهراً ساختارشمول مبنایی است که شامل شدن نماینده گان تمام مردم افغانستان در حکومت را تضمین کرده است. اما همین که برنامه های اجتماعی و اقتصادی و آموزشی این دولت غالباً به همان مسیری هدایت می شوند که شخص رییس جمهور تعیین می کند، گواه آن است که حضور دیگران در این دولت حضوری نمادین و بی تأثیر است. رییس جمهور اشرف غنی در تازه ترین اقدام انحصارجویانه ی خود بر برنامه ی عبور خط برق توتاب از مسیر بامیان- وردک چلیپا کشیده و دستور داده که مسیر سالنگ برای این پروژه آماده شود. این اقدام رییس جمهور هیچ معنای دیگری جز این ندارد که او قصد دارد مناطق مرکزی افغانستان را «تحریم» کند. این تحریم از آنجا که جنبه های مختلف توسعه ی اجتماعی در مناطق مرکزی را آسیب جدی می زند، همزمان هم تحریم اقتصادی است، هم تحریم فرهنگی و آموزشی و هم تحریم سیاسی. چرا که، همان گونه که کارشناسان اقتصاد و توسعه می گویند، عبور خط برق از بامیان می تواند به پویایی اجتماعی مردم آن مناطق کمک بسیار بکند. با این حساب، وقتی که رییس جمهور با عبور خط برق از این مناطق مخالفت می کند، عملاً سیاست تحریم آن مناطق را اجرا می کند.

حال، مخالفت اشرف غنی با توسعه ی مناطق مرکزی عمده تاً هزاره نشین را در برابر این ادعای او قرار بدهید که می گوید دولت او تصمیم دارد با طالبان و دشمنان مردم افغانستان برخوردی جدی بکند. مگر طالبان چه کار می کنند که دشمن مردم افغانستان محسوب می شوند؟ طالبان به این خاطر دشمن مردم افغانستان محسوب می شوند که مردم را در چنبره ی سیاه «تحریم» محصور می کنند. طالبان مردم را از رسیدن به توسعه ی سیاسی، اقتصادی، آموزشی و اجتماعی باز می دارند. این که روش طالبان در اجرای چنین تحریمی چه قدر با روش دولت فرق دارد، برای مردم افغانستان تفاوتی نمی کند. برای بسیاری از محرومان جامعه ی ما طالبی که آنان را در تاریکخانه ی تحریم بیندازد هیچ فرقی ندارد با دولت جمهوری یی که دقیقاً همان کار را بکند. وقتی که اشرف غنی با ابزار نیرنگ و پنهان کاری و معاملات پشت پرده «تحریم» مناطق مرکزی را ممکن می کند، نمی توان این ادعای او را که دولتش تصمیم دارد با طالبان مقابله کند جدی گرفت. برعکس، نتیجه ی منطقی تری که از رفتار او می توان گرفت این است که او با طالبان، یعنی سمج ترین طرفداران تحریم مناطق مرکزی، هم رأی و هم دیدگاه است.



می باشند نه قانون و مردم. مثلاً در تمام ادارات دولتی رایج است که وقتی کسی مطالبه ی غیرقانونی دارد، برایش می گویند حکم فوق العاده ی بیاور تا کارت انجام شود. حکم فوق العاده یعنی این که قانون در موجودیت فلان رییس و وزیر و وکیل و... ی مقتدر، تعطیل است. برای آن مقتدر این نمایش سلطه است. اما برای مردم فاجعه می باشد. مگر رییس جمهور در مورد سرپرستی ها این کار را نمی کند؟ کدام قانون مانع رفتار فراقانونی اش شده؟ ... بناءً این سرمایه ی بزرگ اجتماعی اگر به شکل فراقانونی تبارز کند، جریانی خلق خواهد شد که قانون را همراه با مردم در کانون قدرت هدایت می کند. استمرار و نهادینه شدن این گونه جریان ها مردم و قانون را در درازمدت در کانون قدرت می راند.

تمام قوانین ملی ما، به ویژه قانون اساسی، پاسدار حق مردم، رفاه مردم، امنیت جان و مال مردم، آزادی مردم، برابری مردم و توسعه و پیشرفت ملی کشور است و تنها مردم است که متقابلاً باید قانون را پاسداری کنند و اقتدار قانون را مافوق اقتدار شخص، تنظیم، سران قومی و حزبی، شبکه های حکومتی و امثال اینها قرار دهند. بر همه هویدا است که در این کشور حاکمان واقعی اشخاص می باشند نه قانون و مردم. مثلاً در تمام ادارات دولتی رایج است که وقتی کسی مطالبه ی غیرقانونی دارد، بیاور تا کارت انجام شود.

تنگ قومی فروکاسته شود، کلان ترین دست آورد آن برای آینده ی به ویژه سیاسی کشور اقتدار بخشیدن به شیوه ی حکومت داری «ساخت و ساز سران قومی - تنظیمی» است. ساختار اجتماعی جامعه و منطبق بر آن ساختار قدرت سیاسی طوری است که سران قومی و قومی - تنظیمی در هر حالت سر در آخور قدرت خواهند بود و مردم در حاشیه ی قدرت خواهند ماند. من تلاش های عطا محمد نور و محمد محقق و کریم خلیلی و امثال اینها در تب و تاب تصمیم مردم برای اعتراض به تبعیض و فساد تحت نام «جنبش روشنایی» را در این چارچوب درک می کنم و مطمئنم که اعتراض جمعی با داعیه ی قومی، راه را برای بهره گیری سیاسی سران قومی هموارتر و سهل تر می سازد و پایه های اقتدار قومی را در سطح دولت تشدید می کند. ممکن ما دلخوش این باشیم که خلیلی و محقق اگر در سطح دولت اقتدار قوی داشته باشند، به نفع ما است. اما واقعیت این دلخوشی را بازتاب نمی دهد. تو آقا و خانم متخصص، اگر از دایره ی تنظیمی و فامیلی و منطوقی و حزبی و شبکه های این سران قومی و تنظیمی و قبیلوی، بیرون باشی، از سر تا پایت دانش و تخصص هم بیارد، رانده ی درگاه قدرت استی. قومیت به شیوه یی که طی یک و نیم دهه ی گذشته، معیار توزیع و مدیریت قدرت در افغانستان بود، کمر قانون و مردم را شکستاده است. بناءً این سرمایه ی اجتماعی (نفرت از فساد و تبعیض و بی کفایتی و قوم و تنظیم بازی در سطح دولت) سرمایه ی اجتماعی جریان ساز ملی اگر ملی هدایت و رهبری شود، جریانی را بنیاد خواهد گذاشت که سران قومی و تنظیمی مجبور باشند تا به مردم و قانون اقتدا کنند.

تمام قوانین ملی ما، به ویژه قانون اساسی، پاسدار حق مردم، رفاه مردم، امنیت جان و مال مردم، آزادی مردم، برابری مردم و توسعه و پیشرفت ملی کشور است و تنها مردم است که متقابلاً باید قانون را پاسداری کنند و اقتدار قانون را مافوق اقتدار شخص، تنظیم، سران قومی و حزبی، شبکه های حکومتی و امثال اینها قرار دهند. بر همه هویدا است که در این کشور حاکمان واقعی اشخاص

ما طی یک و نیم دهه ی گذشته در افغانستان به یک سرمایه ی خوب و فراگیر اجتماعی دست یافته ایم که می تواند بن مایه ی اتحاد واقعی، همدیگر پذیری واقعی، زبان و حس مشترک مردم - اعم از تاجیک و ازبک و هزاره و پشتون و قزلباش و ... در این کشور شود. این سرمایه ی خوب اجتماعی در سراسر کشور در بین تمام مردم به جز مقامات، به مادی ترین شکلش قابل حس و قابل لمس است: نفرت و بیزاری از فساد، تبعیض، رهبری بد و بی کفایت رهبران سیاسی. این سرمایه در هر جامعه ی محروم و استبداد زده وجود دارد. اما در یک جای در واکنش به یک خودسوزی انفرادی اما اعتراضی، به یک بسیج ملی و نقطه ی عطف سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در یک کشور می انجمد و دیوارهای استبداد را فرو می ریزد و مردم را از حاشیه های که محرومیت تقدیرشان محسوب می شد، در محور قدرت می راند. و در این جا - در افغانستان - در واکنش به یک تصمیم ناشی از تبعیض و فساد و بی کفایتی رهبری سیاسی در قبال ملتش، ممکن است به یک بسیج ملی - حتی اگر نمادین باشد - بر علیه تبعیض، فساد و بی کفایتی رهبری سیاسی، تبدیل شود. این سرمایه ی بزرگ اجتماعی می تواند جریان ساز بنیادبرافکن برای ۲۰۰ سال حکومت به روش استبداد قومی-قبیلوی و یک و نیم دهه حکومت به روش ساخت و ساز سران قومی و تنظیمی، شود. بناءً خلق ادبیات و فهم قومی از این سرمایه ی همه شمول اجتماعی به خلق شیوه های بهره گیری از آن توسط شکارچیان قومی - تنظیمی قدرت، کمک می کند. خواهیم دید که قومی ساختن این گونه قضایا، بهره ی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی آنرا به حساب سران قوم و قبیله و تنظیم خواهند ریخت، نه به مردم. در حالی که مردم اعتراض می کنند تا فساد محو شود و تبعیض نابود گردد، اما کسانی که خودشان در حوزه ی اقتدارشان تبعیض و فساد مثل آفتاب آشکارا اعمال می شود، دل ما را با حمایت از اعتراض ما خوش می کند.

جریان ساز که ریشه در سرمایه ی اجتماعی دارد، در حلقه ی

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaaz Roz		برای ادارات دولتی و شرکتهای		برای متعلمین و محصلین	
6 Months	120\$ USD	۳۰۰۰ افغانی	شش ماهه	۲۰۰۰ افغانی	شش ماهه
Annual	200\$ USD	۵۰۰۰ افغانی	یک ساله	۴۰۰۰ افغانی	یک ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسؤلیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
 معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
 سردبیر: جواد ناجی
 دبیر خبر: عصمت الله سروش
 گزارشگران: راحله رسول، الیاس نواندیش
 ویراستار: عمران راتب
 صفحه آرا: هادی دریابی
 بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
 ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
 آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
 شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
 مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲

کشف بیش از ۵۰ گور دسته‌جمعی از قربانیان داعش در عراق



اطلاعات روز: یک فرستاده‌ی سازمان ملل می‌گوید در بخش‌هایی از عراق که پیش‌تر در اختیار داعش بوده‌اند، تا کنون بیش از ۵۰ گور دسته‌جمعی پیدا شده است.

به نقل از بی‌بی‌سی، یان کویبیچ که از زمستان گذشته فرستاده‌ی ویژه‌ی دبیرکل سازمان ملل در امور عراق بوده است، به شورای امنیت سازمان ملل گفته است که این گورهای دسته‌جمعی، «مدرک جنایت‌های فجیع» بوده که گروه داعش انجام داده است.

این گورهای دسته‌جمعی در ماه‌های اخیر و پس از آن کشف شده‌اند که این مناطق از گروه داعش پس گرفته شده‌اند. در یکی از جدیدترین موارد، در ماه اپریل گورهایی در شهر رمادی پیدا شدند که شاید بقایای جسد بیش از ۴۰ نفر در آن‌ها دفن شده باشد.

آقای کویبیچ می‌گوید جامعه‌ی جهانی باید «برای حساب‌کشیدن» از جنگجویان داعشی اقدام عملی کند. نیروهای عراقی در دسامبر سال گذشته بخش‌هایی از رمادی را از گروه داعش پس گرفتند. این شهر یک سال پیش به‌دست پیکارجویان این گروه افتاده بود.

پس از چند هفته مقاومت پراکنده، در ماه فبروری گذشته این شهر به‌طور کامل در اختیار نیروهای حکومتی در آمد.

گورهای دسته‌جمعی در نزدیکی سنجر در شمال عراق، نزدیکی انبار در غرب عراق و در تکریت در شمال عراق هم پیدا شده‌اند. افرادی که بقایای‌شان در این گورها پیدا شده، از

جمله شامل عشایر، سربازان عراقی، زنان و افرادی از اقلیت یزیدی بوده‌اند. گورهای دسته‌جمعی همچنین در بخش‌هایی از سوریه که در دست گروه داعش بوده‌اند، پیدا شده‌اند.

یان کویبیچ، نماینده‌ی ویژه‌ی سازمان ملل به شورای امنیت سازمان ملل متحد گفته است: «من با شدیدترین موضع، کشتار ادامه‌دار، آدم‌ربایی، تجاوز و شکنجه‌ی عراقی‌ها به‌دست داعش را محکوم می‌کنم. این رفتار می‌تواند شامل جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و حتی نسل‌کشی باشد.»

آقای کویبیچ می‌گوید با وجود «پیش‌رفت قابل توجه و ادامه‌دار» علیه داعش این گروه همچنان «یک دشمن سرسخت و مصمم است که به‌طور مداوم، تاکتیک‌ها و الگوی حمله‌هایش را با شرایط وفق می‌دهد.»

فرستاده‌ی ویژه‌ی سازمان ملل گفته است داعش فقط با ابزار نظامی شکست نمی‌خورد و خواستار اقدام برای پرداختن به «ریشه‌های منجر به افراط‌گرایی پر خشونت» شده است. یان کویبیچ می‌گوید بیش از ۱۰ میلیون نفر یعنی یک‌سوم کل جمعیت عراق نیازمند امدادسانی خارجی است و این بحران بشری در عراق همچنان یکی از بدترین بحران‌های جهان است.

این نماینده‌ی ویژه‌ی دبیرکل سازمان ملل می‌گوید تا کنون تنها یک‌چهارم از کمک ۸۶۱ میلیون دلاری درخواست‌شده برای مردم عراق در سال جاری میلادی، وصول شده است و از کمک‌کنندگان خواست که بیشتر مشارکت کنند.

این نماینده‌ی ویژه‌ی دبیرکل سازمان ملل می‌گوید تا کنون تنها یک‌چهارم از کمک ۸۶۱ میلیون دلاری درخواست‌شده برای مردم عراق در سال جاری میلادی، وصول شده است و از کمک‌کنندگان خواست که بیشتر مشارکت کنند.

افراد که بقایای‌شان در این گورها پیدا شده، از

روسیه:

آتش‌بس در حلب ۷۲ ساعت دیگر تمدید شد

اطلاعات روز: وزارت دفاع روسیه اعلام کرده آتش‌بس در شهر حلب سوریه و بخش‌هایی از استان لاذقیه به مدت سه روز دیگر تمدید شد.

به گزارش خبرگزاری رویترز، وزارت دفاع روسیه شامگاه جمعه با اعلام این خبر، زمان آغاز آتش‌بس سه روزه را از ساعت یک صبح شنبه به وقت محلی اعلام کرد.

به نقل از رادیو زمانه، آتش‌بس در شهر حلب از روز چهارشنبه (۱۵ ثور) آغاز شد. برقراری این آتش‌بس پس از چندین روز درگیری شدید بین نیروهای دولت بشار اسد، رئیس‌جمهوری سوریه و مخالفان صورت گرفت. حملات نیروهای دولتی به این شهر، که شدیدترین در نوع خود طی یک سال اخیر بوده است، تلفات

بسیاری در میان غیرنظامیان برجا گذاشته است. درگیری بین نیروهای دولتی با جبهه‌ی النصره در جنوب این شهر همچنان جریان دارد. در ولایت لاذقیه نیز آتش درگیری از ۲۹ اپریل تاکنون ادامه داشته است. دولت و اپوزیسیون سوریه در هفته‌های اخیر یکدیگر را متهم به نقض آتش‌بس ماه فبروری در شهر حلب کرده‌اند.

پیشتر استنفان دی میستورا، فرستاده‌ی ویژه‌ی سازمان ملل در امور سوریه، نسبت به خطر قطع مذاکرات صلح ژنو در پی ادامه‌ی حملات دو طرف و نقض مکرر آتش‌بس هشدار داده بود.

شش متهم پرونده‌ی جاسوسی در مصر به اعدام محکوم شدند

اطلاعات روز: دادگاهی در قاهره، پایتخت مصر شنبه (۱۸ ثور) برای شش تن از متهمان پرونده‌ی جاسوسی حکم اعدام صادر کرد.

به نقل از رادیو زمانه، در این میان دو خبرنگار شبکه‌ی الجزیره نیز به جرم انتقال اطلاعات و اسرار دولت مصر به قطر به مرگ محکوم شدند. در حال حاضر حکم این شش نفر برای تأیید به مفتی اعظم مصر، بالاترین مقام مذهبی کشور ارجاع داده شده است.

پرونده‌ی جاسوسی برای دولت قطر شامل ۱۰ نفر است. اما صدور حکم برای چهار نفر دیگر از جمله محمد مرسی، رئیس‌جمهوری برکنار شده این کشور به اواخر ماه جون موکول

شده است. محمد مرسی متهم است که در زمان ریاست‌جمهوری‌اش اسناد امنیتی دولت مصر را برای دولت قطر فاش کرده. رئیس‌جمهوری برکنار شده مصر در سه دادگاه دیگر نیز به جرم‌های متفاوت مجرم شناخته شده و به سپری کردن ۲۰ سال زندان محکوم شده است.

خبرگزاری الجزیره اتهامات وارده از سوی شبکه با محمد مرسی را رد کرده است. محمد مرسی در جولای ۲۰۱۳ پس از یک سال حضور در سمت ریاست‌جمهوری، در پی عملیات ارتش مصر از این سمت برکنار شد.

استقبال شهر داران نیویورک و پاریس از انتخاب صادق خان

اطلاعات روز: شهرداران بعضی از شهرهای بزرگ جهان از انتخاب شدن صادق خان، شهردار مسلمان لندن استقبال کرده‌اند.

به نقل از بی‌بی‌سی، سیف بیل دو بلازیو، شهردار نیویورک، که از حزب دموکرات امریکا است، گفته منتظر آن است همکاری خود را با شخصی که مدافع ساخت خانه برای کم‌درآمدهاست، شروع کند.

آن بیدالگو، شهردار پاریس هم که از حزب سوشیال فرانسه است نوشته مطمئن است شهردار انسان‌گرا برای لندن‌ها فایده‌ی فراوان خواهد داشت.

صادق خان، نامزد حزب کارگر، به‌عنوان شهردار جدید لندن انتخاب شده و برای چهار سال اداره‌ی پایتخت بریتانیا را به‌عهده خواهد داشت.

بلال بوتو زرداری، رئیس حزب مردم پاکستان در تویتور به آقای خان تبریک گفته و نوشته پاکستانی-بریتانیایی‌ها به تغییر مثبت نیاز دارند.

اریون ولای، شهردار آلبانی که در ماه فبروری با صادق خان دیدار کرده بود از اولین شهرداریانی بود که انتخاب او را تبریک گفت و نوشته است «پیامی خوب به اروپا.»

پیش از آن‌که نتیجه‌ی انتخابات اعلام شود، کارل بیل، نخست‌وزیر سابق سوئد توییت کرده بود که اگر [آقای] ترامپ به ریاست‌جمهوری امریکا برسد، صادق خان [به‌دلیل مسلمان بودن] اجازه نخواهد داشت به ایالات متحده سفر کند.

دیروز خبرگزاری‌های ایران هم خبر انتخاب آقای خان را منتشر و مسلمان بودن او را در تیتراژ برجسته کرده‌اند. شبکه‌ی خبری وابسته به صدا و سیما هم زندگی‌نامه‌ی او را منتشر کرده است.



شرکت بیش از ۲۴۰ هزار نفر در تظاهرات مخالفان دولت لهستان



اطلاعات روز: بیش از ۲۴۰ هزار نفر از مخالفان دولت لهستان روز شنبه (۱۸ ثور) در ورشو، پایتخت، خواستار حفظ جایگاه کشورشان در اتحادیه اروپا شدند.

به نقل از یورو نیوز، شرکت‌کنندگان در این تظاهرات همچنین اعتراض خود را نسبت به سیاست‌های دولت محافظه‌کار این کشور که به گفته‌ی آن‌ها موجب به خطر افتادن ارزش‌های دموکراتیک در لهستان شده است، اعلام کردند. این تظاهرات به دعوت کمیته‌ی دفاع از دموکراسی برگزار شد و اکثر احزاب مخالف دولت در آن شرکت کردند.

برونیسلاو کوموروفسکی، رئیس‌جمهور سابق لهستان نیز در تظاهرات روز شنبه که یکی از بزرگترین تظاهرات برگزار شده در لهستان از زمان سقوط کمونیسم در این کشور بود، حضور داشت.

ژگوژ ستینا، رهبر مخالفان گفته است: «امروز این‌جا هستیم تا اعلام کنیم که اجازه‌ی تحقق کابوس حکمرانی خودکامه را نخواهیم داد. اجازه‌ی تخطی از دموکراسی، حاکمیت قانون و قانون اساسی را نخواهیم داد. ما این امر را نخواهیم پذیرفت.»

همزمان تظاهرات دیگری نیز که فراخوان آن توسط سازمان‌های مذهبی، گروه‌های ملی‌گرا و محافظه‌کار داده شده بود، برگزار شد. شرکت‌کنندگان در این تظاهرات که شهرداری ورشو شمار آنان را ۲۵۰۰ نفر اعلام کرد، مخالفت خود را با عضویت لهستان در اتحادیه‌ی اروپا و همچنین آن‌چه «تحکم بروکسل» می‌نامیدند، اعلام کردند.

بگو مگو از facebook



Zahra Mousawi

در آستانه‌ی ورود گلبدین حکمتیار، جلال کابل: عهد بسته بودم در فضای مجازی دیگر به آن چه در پیرامون می‌گذرد واکنشی نشان ندهم؛ اما در حاشیه‌ی بازگشت گلبدین حکمتیار، ادامه‌ی سکوت چندان هم ممکن نیست ...

از کابوس خونین کابل (جنگ‌های حزبی و فرقه‌یی ۱۳۷۱-۱۳۷۴)، آن قدری نمی‌گذرد که بوی زخم خون و جنایت و ترس از خاطر دیوارهای سوراخ سوراخ ویرانه‌های جنگ‌زده‌اش زوده شده باشد. دو دهه برای فراموشی و نسیان نابودی، زمان کمی است. از صدای طبل سکوت این روزها در کابل اما پیداست یک هفته مانده به بازگشت دوباره عامل فاجعه، جای زخم فاجعه از حافظه نداشتی تاریخی و جمعی کابل‌نشینان پاک شده است.

قصه‌ی کابل آن روزها، همه خشونت، تجاوز و مرگ بود. واقعیت کشتار بیش از سی هزار کودک و زن و مرد و آوارگی هزاران انسان در منازعات تصاحب قدرت در پایتخت. سازمان ملل، کشتارهای کابل را «نسل‌کشی» نامید و سازمان‌های حقوق بشری از آن به نام فاجعه انسانی یاد کردند. حالا

اما، سناریو کاملاً برگشته. بازگشت یکی از «جلاد» آن به صحنه سلاخی، با تپانی و هماهنگی هم‌جانبه‌ی جامعه‌ی جهانی و استقبال گرم ارگ‌نشینان افغانستان صورت می‌پذیرد. روندی که با آغاز حیات نظام سیاسی معاصر (با حمایت همه‌جانبه‌ی جامعه‌ی جهانی) و جذب مهره‌درشت‌های اربابه‌ی جنگ‌های داخلی (سیاف، محقق، ربانی، محسنی، دوستم...) در بدنه‌ی نظام، به سوی تحقق توهمی به نام «آشتی ملی» گام گذاشت؛ رویکردی که فرصت طرح و اجرای گفت‌وگوهای عدالت‌طلبانه چون «عدالت انتقالی»

و هرگونه مجال پیگیری قضایی و حقوقی جنایات بشری جنایت‌کاران را به سیاه‌چال عدم سپرد. حالا و پس از پانزده سال که از آغاز بازی مسخره‌ی شطرنج قدرت در افغانستان می‌گذرد، در فرجام؛ فرایند جابه‌جایی‌ها، جذب و دفع مهره‌ها و حاتم‌بخشی‌های بی‌شمارانه به عاملان جنایت، نوبت به گلبدین حکمتیار رسید. او که در تمام این سال‌ها برخلاف دیگر هم‌تایان جنگ‌سالارش، حتا توبه‌ی صوری نیز نکرد. کماکان در صف طالبان و دیگر گروه‌های تروریست و افراطی ایستاد و در این سال‌ها از هیچ اقدام وحشت‌آفرین و خشونت‌آمیزی فروگذار نکرد. حملات نظامی سازمان داد.

تهدیدات امنیتی کرد. مکتب آتش زد. اسید پاشید. دانش‌آموزان مکاتب دخترانه را مسموم کرد و... همچنان جنایت کرد و عافیت دید. این روزها در آستانه‌ی بازگشت جلال کابل، حکومت افغانستان وقیحانه در حال پهن کردن فرش سرخ به عامل ویرانی تمام زیربنای شهر، اقتصادی و اجتماعی زندگی در سرزمین مرگ است. در این میان، جامعه/توده چون همیشه فرورفته در سکوتی تلخ و سنگین فقط نظاره‌گر است.

شبه‌نخبگان قومی و سیاسی در حال مجادله و چانه‌زنی برای ابقای مصالح و منافع‌شان‌اند و رسانه‌های شبه‌آزاد در حال زمینه‌چینی تبلیغاتی برای این ورود و... در این سرزمین همه چیز، همیشه همان‌گونه است که باید. بدون کم‌ترین نشانی از مقاومت، مخالفت و بی‌نیاز به عدالت و کرامت!

با این اوصاف باید خطاب به خودش گفت: آقای جلال بیا که همه چیز آماده یک سلاخی دیگر است. این‌جا در همه‌ی سطوح کرختی و اختگی و کلی‌مسکلی محض جاری‌ست. کسی، عدالت را نمی‌شناسد و نمی‌خواهد. قربانی‌های بعدی گوسفندوار در صف استقبالات ایستاده‌اند. مرحمتی کن و این‌بار ماموریت تاریخی‌ات را پایان بده. تیغ مرگ را به رگ کابل بکش و دوباره به طبل جنگ بکوب. کسی با آمدن، ماندن، بودن و جنگ افروختن‌ات مخالفتی ندارد.

امثال من هم اگر زنده بودیم، به کودکان کودکان خواهیم گفت: قتل‌گاهی به نام «کابل» در جغرافیایی به نام افغانستان، داستان هزار و یک شب نبود؛ سرنوشت ما بود!

پرسشی از دولت وحدت ملی

از آفتاب روشن‌تر است که جغرافیایی که محرومیت آن، از نظر دولت طبیعی تعریف شده است، حامی اصلی دولت و روند موجود بوده است. در انتخابات شرکت کرده‌اند. رای داده‌اند. با جامعه بین‌المللی هم‌سو بوده‌اند. حق‌شان را از مجرای‌های حقوقی و مدنی طلب کرده‌اند. اردوی ملی و نیروهای امنیتی را نکشیده‌اند. مکاتب را تخریب نکرده‌اند. معلمین و دانشجویان را نکشیده‌اند.

در برابر، در مناطقی که حکومت تمام‌قد از آن دفاع می‌کند و امکانات را به‌صورت انحصاری در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد، هر روز نیروهای امنیتی کشته می‌شوند. مکاتب خراب و معلمین سلاخی می‌شوند. وضعیت به گونه‌ی است که اشرف‌غنی و مدافعین‌شان، از ترس در آن‌جا سفر نمی‌توانند. پناه‌گاه امن پاکستانی‌هاست. مرکز ذخیره و جابه‌جای مواد منفجره و انتقال آن‌ها به شهرها به منظور کشتن شهروندان بی‌گناه در سرک‌ها و فروش‌گاه‌ها و مکان‌های عمومی. قانون اساسی و دولت را از ریشه قبول ندارند و ...

پرسش اما این است که چرا جغرافیایی مخالف قانون اساسی و ضد دولت حق همه چیز را دارند ولی جغرافیایی حامی دولت و قانون اساسی و مدافع روند جدید، حق یک خط برق را هم ندارند؟ به راستی این چه نوع دولت‌سازی است؟ در کجای دنیا سراغ داید که دولت مدافع مخالفان دولت باشد؟ تا کی می‌خواهید در چشم مردم خاک بپاشید؟ خیلی دوست داریم که موقف دکتر عبدالله را نیز بدانیم. آقای عبدالله شما ادعا دارید که نماینده پنجاه‌درصد آرا هستید؟ آیا شما با این نوع دولت‌سازی موافق هستید؟ آیا از نظر شما چنین چیزی درست است؟ این را به این خاطر پرسیدم که مجبور نشوید بعد از این که خودتان را از ارگ بیرون انداخت، به مردم ساکن در جغرافیایی که محرومیت آن‌ها را حاکمان افغانستان طبیعی تعریف کرده است، مراجعه کنید و یادتان نرود که شما رئیس اجرایی‌دولتی هستید که موافقین دولت را سرکوب و مخالفین دولت را حمایت می‌کنند.



Asad Buda

بیل، ناکام در انجام ۷ بازی متوالی برای رئال

دو مقطع، شش بازی متوالی برای کهکشانی‌ها انجام دهد. او یک بار بین ۱۳ دسامبر ۲۰۱۵ تا ۱۷ جنوری ۲۰۱۶ توانست ۶ بازی متوالی برابر ویارئال، رایو، سوسیداد، والنسیا، دیورتیوو و خیخون انجام دهد و بار دوم بین ۵ مارچ تا ۶ اپریل برابر سلتا، رم، لاس پالماس، سویا، بارسلونا و ولفسبورگ به میدان رفت. بیل هر بار که به شش بازی متوالی رسیده، یک مصدومیت او را از انجام بازی هفتم بازداشته است. رئالی‌ها امیدوارند بیل بتواند به بازی هفته پایانی برابر دیورتیوو برسد.

گرت بیل، ستاره ولزی رئال مادرید در این فصل هرگز نتوانسته ۷ بازی متوالی برای تیمش انجام به میدان برود. بیل مصدوم شد و بازی رئال را از دست داد؛ این خبر، دیگر خبر ویژه‌ی نیست و در این فصل بارها بدان برخورد کرده‌ایم. ستاره ولزی رئال که در چند بازی اخیر درخشش فوق‌العاده‌ی در ترکیب رئال داشته، به دلیل مصدومیت از ناحیه زانو بازی امشب برابر والنسیا را از دست خواهد داد. در این فصل بیل تنها توانسته در

سیمئونه:

مقابل لوانته انگیزه بازی با بایرن را داریم

آخرین بازی خانگی خود کنار هوادارانش بهترین نمایش را داشته باشد و معتقدم به همین دلیل، بازی ساده‌ی پیش رو نداریم. می‌دانم هواداران زیادی در ورزشگاه حریف خواهیم داشت و از این بابت خوشحالم. باید در بازی مقابل لوانته پیروز شویم تا در هفته آخر همچنان به قهرمانی امیدوار باشیم. لوانته حریفی زخم خورده است و باید بسیار مراقب باشیم. فینال لیگ قهرمانان: هنوز تا آن بازی زمان زیادی باقی مانده و من تنها به بازی برابر لوانته فکر می‌کنم.

تامودو:

اسپانیول می‌تواند در نوکمپ امتیاز بگیرد

اصلاً اطلاع نداشتیم که در بازی رئال مادرید و ساراگوسا چه می‌گذرد. تا وقتی به رختکن رفتیم نمی‌دانستیم همزمان، فن نیستلروی هم برای رئال گول زده و بارسا صدرنشینی را از دست داده است. صادقانه بگویم که برایم مهم نبود گولی که زدم وارد دروازه بارسا شده یا تیم دیگری. اگر در برنابئو هم گول زده بودم همان قدر خوشحالی می‌کردم.

این‌که در نوکمپ دو بار جانس بوسیدن نشان اسپانیول را پیدا کنی، اتفاق مهمی است. هواداران بارسلونا هنوز مرا نبخشیده‌اند با این حال دوستانی دارم که هوادار بارسلونا هستند و من به آن‌ها دوستان واقعی و بدون قید و شرط می‌گویم.

دربی امشب: اطمینان دارم که اسپانیول می‌تواند در نوکمپ امتیاز بگیرد چون بازیکنان خوبی در این تیم حضور دارند ضمن این‌که هنوز بقای اسپانیول تضمین شده نیست. در هر صورت بازی دشواری خواهد شد و بی‌شک استرس زیادی تا دقیقه ۹۰ تحمل خواهیم کرد.



ورزش

استوریج: از حضور

در لیورپول خوشحالم

دلیل استوریج، مهاجم لیورپول عنوان کرد که از حضور در این تیم خوشحال است و هیچ‌گاه خلاف این را نگفته است.

مهاجم انگلیسی مقابل ویارئال عملکرد بسیار خوبی داشت و با به ثمر رساندن یک گول و تاثیر روی دو گول دیگر تیمش، بهترین بازیکن زمین بود. او که پس از نیمکت‌نشین شدن در بازی رفت، احتمال جدایی‌اش از باشگاه را تایید کرده بود، این بار صحبتی دیگر به میان آورد.

او گفت: من از حضور در اینجا خوشحالم. هیچ‌گاه نگفتم که خوشحال نیستم. فکر می‌کنم همه نقش وکیل مدافع شیطان را بازی می‌کنند! آن‌ها می‌بینند که من مدتی نیمکت‌نشین بوده‌ام و فکر می‌کنند احتمالاً ناراحت هستم ولی در پایان، تعیین و تکلیف وظیفه مربی است. او باید تیمی را انتخاب کند که فکر می‌کند بهترین نتیجه را خواهد گرفت و من هم وظیفه‌ام این است که بهترین عملکرد را داشته باشم.

استوریج درباره شایعه اختلاف بین او و کلوپ گفت: نه هیچ‌وقت چنین چیزی نبوده است. هیچ‌گاه من با مربیانم مشکلی نداشته‌ام. این وظیفه اوست که ترکیب تیم را تعیین کند و من هم هیچ‌گاه ناراحت نمی‌شوم. این یک بازی تیمی است و اگر او انتخاب کند که کس دیگری جای من به زمین برود، هیچ‌گاه ناراحت نمی‌شوم.

پوگبا:

دقت اسکولز بی نظیر بود

پل پوگبا، هافبک یوونتوس به تمجید از هم‌تیمی سابقش، پل اسکولز پرداخت و گفت که پاهای او فوق‌العاده هماهنگ بود.

پوگبا در ۱۶ سالگی به منچستریونایتد پیوست و ۳ سال با هافبک افسانه‌ی انگلیسی تمرین کرد. او سال ۲۰۱۲ از منچستر جدا شد و به یوونتوس پیوست ولی هنوز کیفیت اسکولز در ذهن او باقی مانده است.

او گفت: پل اسکولز، اسکولزی، پای راست او بی‌نظیر بود. او می‌توانست ده بار پشت هم توپ را به یک نقطه بزند. همچنین از لحاظ بدنی هم خیلی خوب بود. آن‌ها (فوتبال انگلیسی) خیلی شوت می‌کنند و دائم به شما می‌گویند که شوت بزنید. تا در موقعیت قرار گرفتید شوت بزنید. آن‌ها می‌خواهند از فاصله دور گول زنی کنند. در ایتالیا این‌گونه نیست و مهم‌ترین چیز تاکتیک است زیرا تیم‌هایی که خیلی تاکتیکی هستند، سخت شکست می‌خورند مثل اتلتیکومادرید و لسترستی. رانبری در انگلیس سیستم خودش را پیاده کرد و این را در اولین بازی که از لستر دیدم متوجه شدم. در ایتالیا، شما با تاکتیک‌ها غذا می‌خورید و شب با فکر تاکتیک‌ها به خواب می‌روید. در انگلیس، آن‌ها فقط گول می‌خواهند.

مورینیو: آربلو دوست من

است نه فقط یک بازیکن

ژوزه مورینیو، سرمربی سابق رئال مادرید به تمجید از آوارو آربلو، شاگرد سابقش پیش از خداحافظی او با مادرید پرداخت.

آربلو در پایان فصل از رئال جدا خواهد شد و فوتبالش را در تیم دیگری پیگیری خواهد کرد. دیدار مقابل والنسیا، آخرین حضور او در برنابئو خواهد بود و حال مورینیو که همواره رابطه خوبی با آربلو در زمان حضورش در مادرید داشته، به تمجید از او پرداخت.

او گفت: آربلو برای من یک دوست بود نه فقط یک بازیکن. چه‌گونه یک بازیکن به یک دوست تبدیل می‌شود؟ او شور و انگیزه زیادی برای حرفه‌اش داشت، عاشق باشگاه بود، در اختیار تیم و هدف بازی می‌کرد، فروتن بود و هر روز به ارتباط با کسانی که با آن‌ها کار می‌کرد، افتخار می‌کرد. در تاریخ این باشگاه بزرگ، بازیکنان برجسته‌ی حضور دارند. آربلو در بین آن‌ها جایی ندارد ولی او کسی است که تمام تلاشش را برای رئال مادرید، هواداران، مربی و هم‌تیمی‌هایش انجام می‌داد. فقط می‌توانم از او تشکر کنم. در ۱۶ سال دوره مربی‌گری‌ام، او مطمئناً یکی از مهم‌ترین بازیکنانی بود که تحت هدایتم بازی کرده است. یک بازیکن خوب و یک مرد فوق‌العاده.

آربلو: زمان خداحافظی با رئال فرا رسیده است

آوارو آربلو، مدافع رئال مادرید عنوان کرد که در پایان این فصل از رئال مادرید جدا خواهد شد. او در دیدار مقابل والنسیا که آخرین بازی خانگی رئال است، با هواداران باشگاه خداحافظی خواهد کرد و در تابستان رئال را به مقصد تیم دیگری ترک خواهد کرد. او در مصاحبه‌ی با مارکا راجع به این خداحافظی و دوران حضورش در رئال صحبت کرد.

او گفت: من واقع بین هستم و نمی‌خواهم در این رابطه فکر کنم. این حقیقت دارد که روز گذشته از خواب بیدار شدم و دیدم مارکا راجع به مراسم خداحافظی من تیترو زده و در شبکه‌های اجتماعی پیام‌های زیادی برایم ارسال شده بود و موهای بدم سیخ شد. روز ویژه شما فرا می‌رسد ولی تا آن موقع نمی‌خواهم راجع به آن صحبت کنم.

واسکز:

بازی کردن در فینال CL یک رویاست

لوکاس واسکز، هافبک رئال مادرید عنوان کرد که بازی کردن در فینال چمپیونزلیگ به همراه رئال مادرید برای او مثل یک رویاست. او گفت: بازی کردن در فینال چمپیونزلیگ در اولین فصلی که این‌جا هستم مثل یک رویاست. چیزی که می‌خواهیم این است که به خوبی این رویا را به پایان برسانیم، که جام را بگیریم و با مردم به جشن و پایکوبی بپردازیم. مشخص است که در ابتدای سال به نظر نمی‌رسید ما به این‌جا برسیم بنابراین خیلی خوشحالم. اعتماد به نفس بالایی داریم و امیدواریم هر دو جام ممکن را کسب کنیم.

رئال یک امتیاز با بارسلونا فاصله دارد و این در حالیست که دو بازی به پایان لیگ باقی مانده است.

فالكائو:

می‌خواستیم از چلسی جدا شوم

رادامل فالكائو، مهاجم چلسی عنوان کرد که در زمستان در آستانه بازگشت به ریورپلاته قرار داشت. مهاجم کلمبیایی در دو فصل اخیر در منچستریونایتد و چلسی عملکرد ضعیفی داشته و نتوانسته در حد و اندازه‌های گذشته خود ظاهر شود. حال او عنوان کرد که در زمستان در اندیشه بازگشت به ریورپلاته بوده است.

او گفت: دوست داشتم در جنوری به ریور بازگردم ولی آن‌ها جا برای جذب بازیکن خارجی نداشتند. موناکو می‌خواهد در مسیری متفاوت نسبت به

هیدینک:

هزارد فاصله زیادی با رونالدو و مسی دارد

گاس هیدینک، سرمربی چلسی عنوان کرد که ادن هازارد، هافبک این تیم، فاصله زیادی با رسیدن به مسی و رونالدو دارد. هازارد که فصل گذشته به عنوان بهترین بازیکن لیگ انتخاب شده بود، امسال روزهای بسیار سخت و ضعیفی را سپری کرد و به هیچ وجه نتوانست در حد و اندازه‌های گذشته خود ظاهر شود. او اولین گولش در لیگ را چند هفته پیش به ثمر رساند و پس از آن دو گول دیگر وارد دروازه تاتنهام کرد. هیدینک که پایان فصل چلسی را ترک خواهد کرد عنوان کرد که هازارد راه طولانی با رسیدن به مسی و رونالدو دارد.

او گفت: فکر می‌کنم زمان زیادی طول

او گفت: بازی کردن در فینال چمپیونزلیگ در اولین فصلی که این‌جا هستم مثل یک رویاست. چیزی که می‌خواهیم این است که به خوبی این رویا را به پایان برسانیم، که جام را بگیریم و با مردم به جشن و پایکوبی بپردازیم. مشخص است که در ابتدای سال به نظر نمی‌رسید ما به این‌جا برسیم بنابراین خیلی خوشحالم. اعتماد به نفس بالایی داریم و امیدواریم هر دو جام ممکن را کسب کنیم.

رئال یک امتیاز با بارسلونا فاصله دارد و این در حالیست که دو بازی به پایان لیگ باقی مانده است.

او گفت: بازی کردن در فینال چمپیونزلیگ در اولین فصلی که این‌جا هستم مثل یک رویاست. چیزی که می‌خواهیم این است که به خوبی این رویا را به پایان برسانیم، که جام را بگیریم و با مردم به جشن و پایکوبی بپردازیم. مشخص است که در ابتدای سال به نظر نمی‌رسید ما به این‌جا برسیم بنابراین خیلی خوشحالم. اعتماد به نفس بالایی داریم و امیدواریم هر دو جام ممکن را کسب کنیم.

رئال یک امتیاز با بارسلونا فاصله دارد و این در حالیست که دو بازی به پایان لیگ باقی مانده است.

او گفت: بازی کردن در فینال چمپیونزلیگ در اولین فصلی که این‌جا هستم مثل یک رویاست. چیزی که می‌خواهیم این است که به خوبی این رویا را به پایان برسانیم، که جام را بگیریم و با مردم به جشن و پایکوبی بپردازیم. مشخص است که در ابتدای سال به نظر نمی‌رسید ما به این‌جا برسیم بنابراین خیلی خوشحالم. اعتماد به نفس بالایی داریم و امیدواریم هر دو جام ممکن را کسب کنیم.

رئال یک امتیاز با بارسلونا فاصله دارد و این در حالیست که دو بازی به پایان لیگ باقی مانده است.

او گفت: بازی کردن در فینال چمپیونزلیگ در اولین فصلی که این‌جا هستم مثل یک رویاست. چیزی که می‌خواهیم این است که به خوبی این رویا را به پایان برسانیم، که جام را بگیریم و با مردم به جشن و پایکوبی بپردازیم. مشخص است که در ابتدای سال به نظر نمی‌رسید ما به این‌جا برسیم بنابراین خیلی خوشحالم. اعتماد به نفس بالایی داریم و امیدواریم هر دو جام ممکن را کسب کنیم.

رئال یک امتیاز با بارسلونا فاصله دارد و این در حالیست که دو بازی به پایان لیگ باقی مانده است.

او گفت: فکر می‌کنم زمان زیادی طول



ام ټي ان آسان

نوی سیمکارت ټولو داخلي شبکو ته له یوې بیې او
۱۰۰ ام بی وړیا انټرنټ سره

ام ټي ان آسان سیمکارت وپیری او د ټولو داخلي شبکو شمېرو ته دقیقه یوازې په ۲,۴ افغانۍ اړیکې ونیسی او له دې پرته ۵۰ افغانۍ وړیا کرېډټ او ۱۰۰ ام بی انټرنټ لاس ته راوړی. همدا راز تاسو کولای شئ چې ټولو داخلي شمېرو ته هر لیکلی پیغام یوازې په ۱,۵ افغانۍ واستوی او له هر یو ام بی انټرنټ څخه د ۱ افغانۍ په بدل کې گټه واخلي. ام ټي ان آسان ته د اوسنۍ بکسې بدلولو لپاره #۷۷۴* یوازې د ۱۵ افغانیو په بدل کې ډایل کړئ.

د ۵۰ افغانیو وړیا کرېډټ معلومولو لپاره #۷۸۹*۱ ډایل کړئ.
د ۱۰۰ ام بی وړیا انټرنټ معلومولو لپاره #۷۸۹*۴ ډایل کړئ.



د لارښوونو لپاره له ۷۷۹ شمېرې سره اړیکه ونیسئ.
د سیمکارت ټیټول اړیکې دي.
www.mtn.com.af | MTN Afghanistan | MTN AF
LinkedIn | MTN Afghanistan | MTN AF

په هرځای کې له تاسو سره

با سیمکارت ټاپ پیشرفت کنید

1 افغانۍ

تماس به هر شماره در افغانستان

✓ 1 افغانۍ فری دقیقه از افغان بیسیم به افغان بیسیم

✓ 1 افغانۍ در هر ۳۰ ثانیه به سایر شبکه ها

✓ بدون فیس روزانه

مدت این پیشرفت
آنی ۱۴ اسد

